

حمید قبله شناس

کارشناس بازنشسته

۱۳۸۱

روایت کننده برهه ای از پیشینه دانشگاه

اینجانب حمید قبله شناس هستم. در سال ۱۳۲۵ در اهواز به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی را تا سال سوم در اهواز و تا مقطع دیپلم را در دزفول گذراندم. در سال ۱۳۵۴ در دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه جندی شاپور اهواز پذیرفته و مدرک کارشناسی را در سال ۱۳۵۹ دریافت کردم.

من در سال ۱۳۴۷ به استخدام دانشگاه در آمدم و به ترتیب مسئولیت های اجرایی را به شرح زیر بر عهده داشتم: تکنسین آزمایشگاه شیمی عمومی در ساختمان سه گوش، حسابدار دانشکده علوم تا سال ۱۳۵۴ در ساختمان کنونی دانشکده علوم، مسئول تدارکات گروه زمین شناسی دانشکده علوم، کتابدار، سرپرست دبیرخانه کل دانشگاه از ۱۳۶۳ با ابلاغ جناب دکتر عبدالرسول کاظم پور، رییس وقت دانشگاه تا نیمه ۱۳۸۲.

افزون بر سمت سرپرستی دبیرخانه کل دانشگاه، به عنوان منشی هیئت ریسه، شورای اداری و مالی، شورای فنی، شورای دانشگاه و مسئول دبیرخانه هیئت امنای دانشگاه انجام وظیفه می کردم.

روسای دانشگاه جندی شاپور اهواز از زمان استخدام اینجانب تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ آقایان دکتر داوود کاظمی متخصص و جراح قلب و عروق و دکتر عباس جامعی، متخصص علوم آمار بودند. پیش از استخدام من، آقای دکتر تراب مهران رئیس دانشگاه بود.

نام های معاونان دانشگاه به قرار زیر بود:

دکتر محمد حسن مهدوی اردبیلی، معاون آموزشی

دکتر مسعود بقایی، دکتر سمیع، دکتر علی عمیدی، معاونان مالی و اداری، دکتر بهین، معاون پژوهشی و خانم دکتر طلعت بصاری معاون دانشجویی.

دکتر سید مجید احمدی زاده، رییس دانشکده پزشکی و آقای دکتر منوچهر دوابی، معاون ایشان بود.

آقایان دکتر لاهوتی و دکتر افتخار به ترتیب، روسای بیمارستان های شماره ۱ (بیمارستان امام خمینی کنونی) و شماره ۲ (بیمارستان گلستان کنونی) بودند.

روسای دانشکده علوم، به ترتیب زمانی: دکتر پروزی تسلیمی، دکتر ساسان ریسی، دکتر ابوالقاسم صالح جهرمی و دکتر علی خالقی مقدم.

رییس دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دکتر چهرزاد و رییس دانشکده کشاورزی ملاثانی، دکتر علی کاشانی و رییس دانشکده کشاورزی، دکتر اردشیر قادری بود.

برای تصور بهتر از شکل کالبدی و آشنایی با افراد تاثیرگذار دانشگاه در آن سال ها و شناخت بهتر روند شکل گیری و روند تکاملی آن در عصر جدید، لازم می دانم به چند مورد اشاره کنم که از نظر پیشینه این فرآیند برای نسل کنونی و نسل های آینده حائز اهمیت بسیار است:

۱- زمانی که استخدام شدم نام دانشگاه، دانشگاه جندی شاپور بود و متشکل از دانشکده کشاورزی ملاثانی که طبق اطلاعات روایی، تحت عنوان اصل ۴، آمریکایی ها آن را بنا و راه اندازی کرده بودند و اعضای هیئت علمی که در آن زمان در این دانشکده مشغول بودند می توان از آقای مهندس حبیب الله قطب نام برد. ایشان و آقای خلیفه ضیائیان معاون سابق خدمات امور آموزشی دانشگاه که مدتی کارمند آنجا بود، اشاره نمود.

۲- تا پیش از سال ۱۳۴۷، دانشگاه جندی شاپور متشکل از یک دانشکده پزشکی در ساختمان سه گوش تحت عنوان دانشکده پزشکی گندی شاپور و یک بیمارستان با نام بیمارستان جندی شاپور، بیمارستان کنونی امام خمینی در خیابان ۲۴ متری و یک دانشکده کشاورزی با نام دانشکده کشاورزی ملاثانی و شهر دانشگاهی وجود داشت.

در سال ۱۳۴۸ یا ۱۳۴۹ ساختمان بیمارستان گلستان کنونی به پایان رسید و در آن سال به نام بیمارستان شماره ۲ جندی شاپور و بیمارستان امام خمینی کنونی به بیمارستان شماره ۱ نامگذاری شد.

۳- در اواخر سال ۱۳۴۷ در ساختمان سه گوش، دیگر اثری از دانشکده پزشکی گندی شاپور نبود و کاربری درون آن تغییر و با نام " مرکز آموزشی دانشگاه جندی شاپور " بر سردر اصلی آن واقع در فلکه کنونی مولوی به جای دانشکده پزشکی گندی شاپور نصب گردید. مجری تغییر این کاربری بر عهده یک هیئت آمریکایی در قالب طرح "رتیان" بر عهده داشت. همزمان با این تغییر کاربری استادان

مختلفی در رشته های شیمی، فیزیک، زیست شناسی، زبان انگلیسی و نیز کارمندان اداری و تکنسین های مربوط به آزمایشگاه های رشته های یاد شده، استخدام شدند. از این رو، استخدام و پذیرش دانشجو از سال ۱۳۴۸ رو به افزایش بود. در واقع آغاز تکامل دانشگاه جندی شاپور در قالب یک دانشگاه به معنی واقعی از این سال بود. شکل جدید ساختمان سه گوش به عنوان مرکز آموزشی دانشگاه جندی شاپور، شامل آمفی تاتر مجلل و مجهز به دستگاه سمعی و بصری در طبقه دوم، دو آزمایشگاه شامل آزمایشگاه شیمی عمومی و آزمایشگاه زیست شناسی عمومی و آزمایشگاه فیزیک در طبقه همکف بود. مواد و ابزار و وسایل مورد نیاز این آزمایشگاه ها همگی از آمریکا و آلمان تامین می شد و تجهیزات و دستگاه های این آزمایشگاه ها به کمک امریکایی ها و استادان تازه استخدام شده و تکنسین ها نصب و راه اندازی می شد. مسئول راه اندازی آزمایشگاه شیمی عمومی شخصی به نام مستربرن و مسئول راه اندازی آزمایشگاه فیزیک به نام آقای دکتر حسن که هندی تبار بود و مسئول راه اندازی آزمایشگاه زیست شناسی خانمی بود که نام وی را فراموش کرده ام فردی به نام مستر کوک رییس هیئت امریکایی، مجری تغییر کاربری درون ساختمان سه گوش یا طرح رتیان را بر عهده داشت. برخی از استادان در ساختمان سه گوش در سال ۱۳۴۷ عبارتند از:

مرحوم محمد جعفر محمدی مدیر گروه شیمی عمومی، دکتر محمد رضا سعیدی، دکتر عباس ترسلی. دکتر ماشاءالله پور منصور، دکتر حسن غفوری فرد وزیر اسبق نیرو و نماینده مجلس شورای اسلامی، دکتر حسین مروج همدانی، دکتر فریور دکتر آل محمد، در طبقه همکف کلاس های درس، مرکز کامپیوتر، آزمایشگاه های سمعی و بصری و دفتر گروه زبان انگلیسی، تلفن خانه، آزمایشگاه فیزیک عمومی و سلف سرویس دانشجویان بود. در طبقه دوم آزمایشگاه شیمی عمومی، آزمایشگاه زیست شناسی عمومی، کتابخانه، آمفی تاتر و دفاتر کارمندان قرار داشت. در طبقه سوم (پشت بام) چند آزمایشگاه شیمی و دفاتر اداری به علت کمبود فضای آموزشی و اداری بعدا احداث گردید. برخی مسئولان وقت مرکز آموزشی دانشگاه جندی شاپور عبارت بودند از:

مرحوم رضا تاجدار، رییس مرکز

دکتر حسین مروج همدانی، مدیر گروه زیست شناسی عمومی

مرحوم محمد جعفر محمدی، مدیر گروه شیمی عمومی

دکتر ماشاءالله پورمنصوری، مدیر گروه فیزیک عمومی

دکتر گمشادزهی، رییس مرکز کامپیوتر

دکتر ارباب شیرانی، مدیر گروه زبان انگلیسی

شرح احوال تشکیل شهر دانشگاهی کنونی:

در اوایل سال ۱۳۴۷ که اینجانب در بردسیر از توابع استان کرمان مشغول انجام خدمت سربازی در قالب سپاه دانش بودم از طریق اخبار رادیو، به سخنرانی شاه تحت عنوان انقلاب فرهنگی در راستای به اصطلاح اصول ششگانه انقلاب سفید گوش می کردم، اظهار داشت در اجرای توسعه دانشگاه های استان های کشور، لازم است که در هر استان شهر دانشگاهی تشکیل و کلیه دانشکده ها و مراکز تحقیقاتی حتی بیمارستانی و اداری و منازل استادان آن دانشکده ها در این شهر دانشگاهی به صورت مجتمع تاسیس شوند. در ادامه سخنرانی، ایشان گفتند که هر دانشگاهی که شهر دانشگاهی نداشته باشد، ادارات کل کشاورزی استان ها موظف هستند که تاسیسات و امکانات آماده خود را به همراه زمین آماده شده، در اختیار دانشگاه قرار دهند. بر این اساس بود که شهر کنونی دانشگاهی شهید چمران اهواز و علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، که تا پیش از سال ۱۳۶۴ در قالب یک دانشگاه به نام دانشگاه جندی شاپور بود، در بین سال های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ مالکیت اداره کل کشاورزی استان به دانشگاه جندی شاپور اهواز واگذار گردید. بی درنگ، شرکتی به نام شرکت رُس به عنوان پیمانکار دانشگاه در ظرف ۴ یا ۵ ماه در سال ۱۳۵۰ دانشکده علوم و دانشکده کشاورزی را احداث نمود و آزمایشگاه های شیمی و فیزیک و زیست شناسی در قالب آزمایشگاه های تخصصی و نیز کتابخانه از ساختمان سه گوش به دانشکده علوم منتقل و ساختمان سه گوش به دانشکده ادبیات و زبان های خارجی تغییر نام داد و چند دانشکده در شهر دانشگاهی به سرعت و طی چند ماه ساخته و گشایش یافت مانند دانشکده پزشکی کنونی، دانشکده های علوم، کشاورزی، تربیت بدنی و علوم ورزشی همراه با استادیوم ورزشی آن، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی در ساختمان دانشکده داروسازی کنونی و به دنبال آن ساختمان سازما مرکزی توسط این شرکت در شهر دانشگاهی احداث گردیدند. البته قبل از احداث این دانشکده ها و نیز تاسیسات اداری در سال ۱۳۴۹ یا ۱۳۵۰، دیوار فلزی زیبایی در پیرامون "شهر دانشگاهی" کشیده شد و پس از این، مجموعه به عنوان شهر دانشگاهی معروف گردید.

به نظر می رسد که طرح تشکیل دانشگاه جندی شاپور اهواز در پیش از انقلاب اسلامی، از زمان دکتر تراب مهرا رییس اسبق دانشگاه آغاز و طرح تحویل و تحول شهر دانشگاهی از اداره کل کشاورزی خوزستان و نیز طرح تهیه و تدوین نقشه های جامع شهر دانشگاهی و اجرای نقشه های آن، در زمان ریاست دکتر عباس جامعی به انجام رسید.

مهمانسرای کنونی دانشگاه در باغ معین، زمانی کنسولگری انگلستان در اهواز بوده است که دانشگاه آن را به مبلغ ده میلیون تومان خریداری نمود.

پیش از احداث منازل کوی استادان در شهر دانشگاهی، استادان در کوی قدیم روبروی استادیوم یا در مهمانسرای کنونی دانشگاه یا در منازل استیجاری طرف دانشگاه سکونت داشتند.

دانشجویانی که از سال ۱۳۴۸ از طریق آزمون مستقل و بیرون از نظام آزمون سراسری پذیرفته می شدند، به سبب آماده نبودن خوابگاه های در حال احداث، در ساختمان های استیجاری سکونت داشتند.

لازم به ذکر است که در زمان توسعه همه جانبه دانشگاه در شکل کنونی و دارا شدن شهر دانشگاهی، ناوگان اتوبوسرانی دانشگاه متشکل از اتوبوس های بدفورد سبز رنگی قدیمی ساخت انگلستان که اکثرا کهنه و قدیمی و متعلق به شرکت نفت بودند، جهت انتقال دانشجویان از ساختمان سه گوش سپس از ایستگاه روبروی استادیوم ورزشی کنونی تختی به طرف شهر دانشگاهی و بالعکس منتقل می کردند. در دوره ریاست دکتر جامعی این اتوبوس های قدیمی جای خود را به اتوبوس های بنز و جدید داد. در همین دوره، استادان ایرانی بیشتری از آمریکا و اروپای غربی استخدام شدند و دانشجویان از طریق آزمون سراسری پذیرفته شدند و به تعداد دانشجویان سال به سال افزوده می شد و دانشکده هایی که پیش از انقلاب توانستند از طریق آزمون مستقل و خارج از آزمون سراسری دانشجویان فوق لیسانس بپذیرند یکی گروه ریاضی و زمانی که آقای دکتر امیدعلی کرمزاده شهنی، مدیر گروه وقت ریاضی و دیگری گروه علوم تربیتی در دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی بوده است.

در سال های ۱۳۴۷ یا ۱۳۴۸ دفتر دکتر داوود کاظمی رییس دانشگاه و کارگزینی دانشگاه در مهمانسرای کنونی دانشگاه، ساختمانی که نزدیک درب ورودی سمت چپ آن قرار دارد، مستقر بودند. ولی دکتر جامعی، آخرین رییس دانشگاه در پیش از انقلاب اسلامی، دفتر خود را از مهمانسرا به ساختمان سه گوش واقع در طبقه اول جنب آمفی تاتر منتقل کرد. با آماده شدن سازمان مرکزی کنونی در شهر دانشگاهی، ایشان دفتر خود

را به این ساختمان، محل فعلی دفتر رییس دانشگاه منتقل کرد و همزمان کلیه تشکیلات اداری و مالی دانشگاه نیز به این ساختمان متمرکز شدند.

شرح چند خاطره از دوره اشتغال در دانشگاه

۱- در میان سال های ۱۳۵۰ یا ۱۳۵۱ زنده یاد دکتر محسن هشترودی دانشمند و استاد ریاضی دانشگاه تهران که شهرتی جهانی دارد، در دونوبت جهت پرداخت وجه نقد بابت حق التدریس ایشان که به عنوان استاد مدعو به اهواز سفر می کردند خدمت ایشان رسیدم. در یکی از این دو نوبتی که در زمستان بود و همراه دو نفر استاد دیگر در چمن روبروی ساختمان مدیریت دانشگاه در مهمانسرا نشسته و سرگرم بحث بودند، پاکت محتوی وجه نقد را به وی تقدیم و منتظر ماندم تا سند مربوطه را رسید و وجه نماید. روی پاکت مذکور یک رابطه ریاضی نوشتند و اظهار داشتند این رابطه را دادم به یکی از دانشمندان ریاضیدان روسی و گفتم من ۱۷ روز در مسکو هستم اگر آن را حل کردید مرا مطلع کنید و در ادامه ایشان فرمودند که آن دانشمند روسی پس از گذشت چند روزی آمد و گفت نتوانستم آن را حل کنم راه حل چیست؟ گویا یکی از آن دو نفر که روبروی استاد دکتر هشترودی نشسته بودند، ریاضیدان بود و از ایشان خواهش نمود که تا آن رابطه را به ایشان بدهد تا شاید بتواند آن را حل نماید.

به هر حال، آمدن دانشمند بزرگ و برجسته ای مانند دکتر هشترودی به دانشگاه ما افتخار بزرگی است و این رخداد تاریخی باید در تاریخ این دانشگاه برای نسل کنونی و نسل های آینده ثبت و ضبط شود.

۲- در زمانی که حسابدار دانشکده علوم بودم نامه ای از دکتر عباس جامعی رییس وقت دانشگاه آمد با این مضمون: جناب آقای دکتر عطاءالله قبادیان با توجه به داشتن کرسی دانشگاه وین اتریش، جناب عالی به عنوان دانشیار دانشگاه استخدام می شوید. حقوق و مزایای دانشیاری آن زمان هم در نامه قید شده بود و یک نسخه رونوشت جهت رییس دانشکده علوم ارسال شده بود و ایشان هم همان نسخه را برای حسابداری ارسال کردند. گو اینکه رشته ایشان در دانشکده کشاورزی بود ولی به نظر می رسد که به دلیل عدم اعتبار لازم در بودجه دانشکده کشاورزی، به دانشکده علوم ارجاع شده بود.
